



خاطره‌ای از این سفرها به یاد

داری؟

یک مرتبه وقتی کربلا بودیم، موکبی برای استراحت پیدا کردیم. هنگام شب یک سخنران در موکب آقایان سخنرانی می‌کرد که من به حرف‌هایش گوش می‌دادم و سعی می‌کردم از عربی حرف زدنش سردر بیاورم که در پایان به عربی از من پرسید «ماسمک؟» با اینکه کلاس دوّم بودم، بالحن عربی کامل اسمم را گفتم که در جواب یک بطری آب آشامیدنی به من داد که واقعاً گواراترین آبی بود که خوردم.

چرا هر سال به این سفر می‌روید؟

از نظر من حضور و شرکت در این سفر به معنی لبیک گفتن به امام زمان (عج) است. ما با حضور در این سفر به دنیان نشان می‌دهیم که امام حسین (ع) ارتش میلیونی دارد. با این کار، حماسه‌ای خلق می‌کنیم تا همه‌ی جهان ببینند. در سفر اربعین یاد گرفتم عشق امام حسین (ع) کوچک و بزرگ نمی‌شناسد و فقط مهم همان عشقی است که همه را به سمت حرمش می‌کشاند.

چه چیزی از این سفر را بیشتر از همه

دوست داری؟

وقتی پیاده روی می‌کنیم، می‌دانیم به سوی هدفی ارزشمند، زیبا و بزرگ می‌رویم که این پیاده روی را با انرژی تر می‌کند و تا زمانی که جان در بدن داشته باشم، با اذن و اجازه و امضای آقا امام حسین (ع) هم پای مسافران این سفر هستم.

سختی‌های این سفر برایت چه وقت‌هایی بیشتر بود؟

ظهر که گرمای هوا طاقت فرسا می‌شد. با وجود این، عشق رسیدن به امام حسین (ع) و دیدن گنبد حرمش برای ادامه‌ی راه به من انرژی می‌داد. اما اینکه مردم از همه جای دنیا از کوچک و بزرگ و پیر و جوان در این راه حضور داشتند و کمک حال هم بودند، اینکه سفره‌ی امام حسین (ع) آن قدر گسترده است که در همه جا موکب به چشم می‌خورد، مردم در آن گرما و شلوغی به راه ادامه می‌دادند و ذره‌ای از عشقشان به امام حسین (ع) کم نمی‌شد هم برایم خیلی جذاب بود. با بچه‌های زیادی در این سفر آشنا شدم که همه خوش حال بودند و برای رسیدن به کربلا لحظه شماری می‌کردند. یک انگشتر هم از کودکان عراقی به یادگار دارم که یاد کربلا را برایم زنده می‌کند.

سفر اربعین معمولاً چند روز طول می‌کشد؟

۷ تا ۱۰ روز که ۳ روز پیاده روی اربعین است و بقیه‌ی روزهایک جا به صورت موقت ساکن هستیم.

برای اینکه در سفر اربعین گرم‌زده و بیمار نشویم، چه کارهایی

باید انجام دهیم؟

باید بیشتر در سایه حرکت و از کلاه و عینک آفتابی استفاده کنیم. همچنین باید لباس‌های خنک بپوشیم، بار زیاد برنداریم. حتماً داروهای مورد نیاز همراهمان باشد، شربت خاکشیر برداریم و در زمان‌های اوج گرما حرکت نکنیم و بیشتر صبح زود یا شب حرکت کنیم.

وقتی اولین بار گنبد امام حسین (ع) را دیدی، چه حس و حالی

پیدا کردی؟

انگار که یک لحظه زمان متوقف شد. احساس می‌کردم که بهترین حال دنیا را دارم. از ته قلبم دعا کردم همه حالشان خوب باشد و همیشه سالم باشند. برای همه‌ی آشنایان دعا کردم و زیر قبه از خدا خواستم که یک خواهر کوچولو داشته باشم. الان صاحب یک خواهر چهار ساله هستم که خیلی دوستش دارم و دعایم برآورده شده است.